

# طبقه‌بندی میلر از دیدگاه‌های برنامه‌درسی

تاریخ دریافت: ۱۳۹۱/۹/۶

تاریخ پذیرش و انتشار: ۱۳۹۷/۹/۱۹

دکتر مقصود امین‌خندقی\*

## مقدمه

جان پی. میلر<sup>۱</sup> تحصیلات کارشناسی خود را در دانشگاه میسوری در حوزه اقتصاد (۱۹۶۵)، کارشناسی ارشد از دانشگاه هاروارد در حوزه تعلیم و تربیت (۱۹۶۷) و دکتری را از دانشگاه تورنتو (۱۹۷۱) در رشته برنامه‌درسی گذرانده است. وی، هم‌اکنون، استاد گروه برنامه‌درسی در دانشگاه تورنتو کانادا است. حوزه علاقه وی آموزش و پرورش کل‌نگر، معنویت در تعلیم و تربیت، تفکر در محیط‌های آموزشی و جهت‌گیری‌های برنامه‌درسی می‌باشد. از جمله کتاب‌های وی می‌توان به برنامه‌درسی کل‌نگر (۲۰۱۲)، معنویت، مذهب و آموزش و پرورش صلح (۲۰۱۰)، آموزش و پرورش روح: بسوی برنامه‌درسی معنوی (۱۹۹۹) و چشم‌اندازهای برنامه‌درسی و عمل (۱۹۹۰) اشاره نمود. اخیراً، مطالعات اخیر وی بر بررسی تأثیرات بلندمدت مراقبه<sup>۲</sup> روی معلمان تمرکز دارد<sup>۳</sup>.

بی‌تردید یکی از حوزه‌های موردعلاقه وی، دیدگاه‌های برنامه‌درسی و طبقه‌بندی آن‌هاست. وی در کتاب چشم‌اندازهای برنامه‌درسی و عمل با همکاری سلر<sup>۴</sup> (۱۹۸۵) سه چشم‌انداز کلی از برنامه‌درسی را به رشته تحریر درآورده است و در کتاب "طیف‌های تعلیم و تربیت: جهت‌گیری‌های برنامه‌درسی" بطور مفصل به مبحث دیدگاه‌های هفت‌گانه پرداخته است (مهرمحمدی و امین‌خندقی، ۱۳۸۸) که در ادامه به معرفی طبقه‌بندی‌ها، منطق، مفروضات اساسی آن، ویژگی‌ها، تأثیرات و دستاوردها، نقد و مقایسه دو طبقه‌بندی میلر پرداخته می‌شود.

## معرفی طبقه‌بندی، منطق و مفروضات اساسی

میلر در خصوص دیدگاه‌های برنامه‌درسی، دو طبقه‌بندی ارائه نموده است. ابتدا به شرح مختصری از طبقه‌بندی اول پرداخته می‌شود. سپس، با توجه به جامعیت و گستردگی طبقه‌بندی دوم، مفصلاً راجع به طبقه‌بندی دوم بحث می‌شود. در نهایت دو طبقه‌بندی باهم مقایسه می‌گردند.

\* مشهد، دانشگاه فردوسی مشهد، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشیار گروه مطالعات برنامه‌درسی aminkhandaghi@ferdowsi.um.ac.ir

<sup>۱</sup>. John P. Miller

<sup>۲</sup>. Meditation

<sup>۳</sup>. برگرفته از: [http://www.oise.utoronto.ca/ctl/Faculty\\_Staff/Faculty\\_Profiles/1265/John\\_Miller.html](http://www.oise.utoronto.ca/ctl/Faculty_Staff/Faculty_Profiles/1265/John_Miller.html)

<sup>۴</sup>. Seller

**طبقه بندی اول:** میلر در کتاب چشم اندازهای برنامه درسی و عمل (۱۹۸۵: ۵) سه چشم انداز کلی از برنامه درسی با عنوان انتقالی<sup>۵</sup>، تبادلی<sup>۶</sup> و تحولی<sup>۷</sup> معرفی نموده که شماری از مفاهیم نظیر یادگیرنده، فرایند یادگیری، محیط یادگیری، اهداف، نقش معلم و ارزشیابی در هر کدام متفاوت است. در دیدگاه انتقالی هدف، تسلط بر موضوع و القای ارزش های اجتماعی است. محیط یادگیری پیش تعیین شده و معلم نقش اصلی را برعهده دارد. هدف آن، شکل دادن به رفتارهای دانش آموزان بر اساس هنجارهای اجتماعی است. ارزشیابی در این دیدگاه مبتنی بر آزمون های پیشرفت تحصیلی می باشد (پالمر<sup>۸</sup>، ۱۹۹۱).

دومین فرادیدگاه، برنامه درسی تبادلی است. بر اساس این فرادیدگاه هدف، تغییر فرد و اجتماع است. آموزش بر گفتگو و تفکر استوار بوده و فراگیر بر اساس این فرایند، دانش را می سازد (ایسرائل<sup>۹</sup>، ۲۰۰۳). هدف برنامه درسی، رشد عقلانیت و مهارت های حل مسئله در موقعیت های دموکراتیک می باشد. تجارب و فرایند یادگیری بر پژوهش و مهارت های پژوهشی که تصمیم گیری های دموکراتیک را تسهیل می کند، متکی است. معلم نقش تسهیلگرانه دارد. ارزشیابی بر میزان دستیابی دانش آموزان به چهارچوب های فکری پیچیده و مهارت های اجتماعی تمرکز دارد (پینت<sup>۱۰</sup>، ۲۰۰۶).

سومین فرادیدگاه میلر، برنامه درسی تحولی است و موقعیت آموزشی را به عنوان یک پارادایم زیست محیطی می بیند که در آن همه پدیده ها باهم ارتباط دارند. هدف این دیدگاه خودشکوفایی، تعالی خود و مشارکت اجتماعی است (پینت، ۲۰۰۶). تجارب یادگیری بر تلفیق ابعاد مختلف فیزیکی، شناختی و روحی تاکید داشته و بر پیوند بین دیسیپلین ها، واقعیت های درونی و بیرونی و مدرسه و اجتماع تمرکز دارد. معلم باید تلاش نماید تا بین کلاس های درسی خود و جامعه ارتباط برقرار نماید. ارزشیابی غالباً غیررسمی و تجربی است. دیدگاه تحولی میلر و سلر (۱۹۹۰: ۱۶۰) بر اساس دو جریان فکری نشان داده می شود. یکی رماتیک و انسانگرایانه و دیگری نئومارکسیستی که با آموزش و پرورش برای تغییر اجتماعی مربوط می شود.

**طبقه بندی دوم:** میلر (۱۹۸۳) به تعبیر خود هفت "جهت گیری یا دیدگاه تربیتی" در قالب یک طیف مطرح کرده است. در یک سر طیف، دیدگاه هایی قرار دارند که توجه به ابعاد بیرونی (نظیر رفتار دانش آموز) و در انتهای دیگر طیف، تاکید بیشتری بر ابعاد درونی (مانند افکار، احساسات و انگاره ها) است. در میانه طیف نیز دیدگاه هایی قرار گرفته اند که کانون توجه خود را تعامل میان ابعاد درونی و بیرونی قرار داده اند که در شکل زیر به تصویر کشیده شده است.

ابعاد بیرونی	ابعاد درونی
رفتاری	موضوعی/دیسیپلینی
اجتماعی	رشدگرا
شناختی	انسانگرایانه
ماورای فردی	ابعاد درونی

در ادامه به شرح مختصری از دیدگاه های مطرح شده و نقطه تمرکز هر دیدگاه با توجه به ابعاد هفت گانه آرمان های تربیتی، فراگیر و ... می پردازیم:

**۱- دیدگاه رفتاری:** مهم ترین دغدغه این دیدگاه، شکل دادن به رفتار دانش آموزان است و به سه نوع دسته بندی شده است: شرطی کنشگر: شکل دادن به رفتار مطلوب و کاستن از رفتار نامطلوب، هدف بوده و یادگیرنده بطور غیرفعال نسبت به تقویت کننده ها واکنش نشان می دهد. یادگیری یعنی اکتساب رفتارهای تازه. معلم طراحی برنامه ارائه تقویت کننده ها را برعهده

۵. Transmission  
 ۶. Transaction  
 ۷. Transformation  
 ۸. Palmer  
 ۹. Israel  
 ۱۰. Pinet

دارد و در فرایند آموزش، از تقویت کننده‌های مثبت استفاده می‌کند و از مشاهده رفتار و آزمون‌های قلم-کاغذی در ارزشیابی استفاده می‌شود.

شرطی متقابل: شرطی متقابل می‌کوشد تا رفتاری را جانشین رفتار دیگری کند. در این دیدگاه از روش‌هایی نظیر حساسیت‌زدایی منظم و آموزش رفتار جرات‌آمیز استفاده می‌شود.

آموزش و پرورش قابلیت مدار: اکتساب قابلیت‌های خاص در قلمروهای شناختی، عاطفی و روانی-حرکتی از آرمان‌های تربیتی می‌باشد. یادگیرنده به منزله موجودی نگرسته می‌شود که می‌تواند در اکتساب قابلیت‌های گوناگون توفیق یابد. معلم با توجه به قابلیت‌های موردنظر به طراحی آموزش می‌پردازد و در ارزشیابی از آزمون‌های مبتنی بر معیار استفاده می‌شود.

**۲- دیدگاه موضوعی/دیسپلینی:** در این دیدگاه دو دیدگاه فرعی قابل طرح است. در دیدگاه موضوعی سازماندهی برنامه-درسی بر اساس چگونگی توسعه دانش در حوزه‌های گوناگون علمی است. آرمان تربیتی، تسلط بر مهارت‌های پایه در دوره ابتدایی و موضوعات و قلمروهای سنتی در دوره متوسطه است. کانون توجه بر یادگیری در حد تسلط مهارت‌ها و به خاطر سپاری دانش است. فرایند آموزش شامل آشکارسازی از طریق سخنرانی، تمرین و مباحثه می‌باشد. محیط یادگیری تحت کنترل معلم و دارای ساخت بسته و از پیش تعیین شده است. در ارزشیابی تکیه بر میزان تسلط دانش آموز بر موضوع درسی است.

در دیدگاه فرعی دوم یعنی دیسپلینی، تاکید بر قلمروهای علمی و به خصوص بر روش‌های مورد استفاده متخصصان و دانشمندان در هر یک از این قلمروها می‌باشد. دانش آموز باید همانند یک زیست‌شناس یا یک ریاضی‌دان به پژوهش بپردازد. معلم، متخصص در دیسپلین خاص و ترغیب‌کننده و تسهیل‌گر پژوهش است. ارزشیابی نیز به بررسی چگونگی تسلط دانش‌آموزان بر اصول پایه و روش‌های پژوهش در یک دیسپلین است.

**۳- دیدگاه اجتماعی:** در این دیدگاه، تاکید بر تجربه اجتماعی است و به فرد در بستر و شرایط خاص اجتماعی نگرسته می‌شود. در چارچوب این دیدگاه، سه دیدگاه فرعی وجود دارد:

در دیدگاه انتقال فرهنگی، برنامه‌های درسی عامل جامعه‌پذیر کردن دانش‌آموز است. در طی فرایند یادگیری، دانش‌آموز خود را با انتظارات مدرسه و جامعه تطبیق می‌دهد، آموزش تحت کنترل و فرمان معلم است. روش تدریس، رویکردهای آموزش مستقیم، و ارزشیابی، سنجش میزان دست‌یابی به معلومات و مهارت‌ها مدنظر است.

شهروندی دموکراتیک: در این فرایند، مدرسه مکانی است که دانش‌آموزان به بررسی نقادانه موضوع‌ها می‌پردازند. یادگیری یک فرایند تعاملی بین فرد و محیط است. غوطه‌ور شدن در تضادها و مسائل معماگونه اجتماعی بر غنای یادگیری می‌افزاید. معلم حمایتگر عاطفی، گوش‌دهنده فعال بوده و توجه ارزشیابی بر مهارت‌های موردنیاز در تجزیه و تحلیل تضادهای سیاست اجتماعی و مهارت‌های موردنیاز برای مشارکت در مناظره است.

دیدگاه سوم به تغییر اجتماعی موسوم است که معتقد است نظام آموزشی باید در رویارویی با مسائل مبتلابه اجتماعی نقشی پیش‌تاز ایفا نماید. یادگیرنده به منزله عنصری است که می‌تواند فعالانه در جریان تغییر اجتماعی حضور یابد. معلم، روش‌نگر جهت‌گیری فعالیت‌های دانش‌آموزان است. ارزشیابی ممکن است از منابع گردآوری شده توسط دانش‌آموزان نسبت به یک موضوع اجتماعی یا مشاهده انجام فعالیت‌های آنان باشد.

۴- **دیدگاه رشد گرا:** دیدگاه رشد گرا حول این محور سازمان یافته است که کودکان مراحل مشخص و مجزایی از رشد شخصیت، شناختی و اخلاقی را پشت سر می گذارند. کانون توجه این دیدگاه محقق ساختن اندیشه تلفیق رشد در ابعاد مختلف (از ابعاد شخصیتی، اخلاقی و شناختی) و جلوگیری از پسرفت یا توقف در جریان رشد است. یادگیرنده یک عنصر فعال است که بطور مستمر به ساختاربخشی و تجدید ساختار تفکر خود می پردازد. معلم، سازمان دهنده محیط یادگیری و به منزله راهنماست که به گردآوری منابع یادگیری و طرح سوالهای چالش برانگیز می پردازد و ارزشیابی بصورت تکوینی و پایانی صورت می پذیرد.

۵- **دیدگاه فرایند شناختی:** این دیدگاه کانون اصلی توجه خود را رشد و تقویت مهارت های شناختی قرار می دهد. برنامه-درسی فرایندی است که بر مشاهده، تجزیه و تحلیل، ترکیب، ارزشیابی و سایر مهارت های ذهنی تاکید می ورزد. حل مسئله از مهم ترین مهارت هایی است که این دیدگاه بر آن تاکید می ورزد. به اعتقاد آنان، مدارس باید بر استدلال، تجزیه و تحلیل و پرورش مهارت های عقلانی متمرکز شوند. معلم تفکر کودکان را تحت نظر گرفته، تسهیل کننده امور است. در ارزشیابی نیز، فرایندهای شناختی و مهارت های شناختی مدنظر است.

۶- **دیدگاه انسان گرایانه:** در میان دیدگاه انسان گرایانه در آموزش و پرورش دو دیدگاه فرعی مهم وجود دارد. انسان گرایی روان شناختی: مازلو و راجرز افرادی هستند که در این دیدگاه قرار می گیرند. یکی از ابعاد نظریه مازلو نگرش او به انگیزه انسان است. به نظر وی، نیازهای انسان را می توان در چهارچوب یک سلسله مراتب قرار داد. در این سلسله مراتب دامنه ای از نیازها به گونه ای قرار گرفته اند که نیازهای سطح پایین تر باید از سطوح نیازهای بالاتر تأمین شوند. راجرز به ظرفیت هایی در معلمان اشاره کرده که می توانند تسهیل کننده برقراری رابطه سالم انسانی باشند. برجسته ترین ظرفیت ها همدلی، اصالت و احترام است.

انسان گرایی اجتماعی: انسانگرایان اجتماعی، تغییر اجتماعی را غایت اساسی معرفی می نمایند. پرورش خودپنداره مثبت و مهارت های میان فردی از جمله آرمان های تربیت است. یادگیرنده عنصری قادر و قابل اعتماد است که در صورت مهیا بودن شرایط می تواند قابلیت های خود را آشکار سازد. یادگیری در بسیاری از موقعیت ها، جهت گیری فردی پیدا می کند. معلم گوش دهنده فعال است که باید از مهارت های ارتباطی برخوردار باشد. ارزشیابی نیز، شامل ارائه بازخورد صادقانه و یاری رساننده به دانش آموزان می باشد.

۷- **دیدگاه ماورای فردی:** مریان ماورای فردی بر تعادل و توازن تفکر عقلانی و شهودی تاکید می کنند. به نظر آنان برنامه های درسی باید در صدد ایجاد تعادل میان نیمکره راست مغز (تفکر شهودی) و نیمکره چپ (تفکر تحلیلی) باشند. ویژگی اساسی دیگر دیدگاه ماورای فردی استعلاست. استعلا مستلزم باز و گشوده بودن نسبت به هستی است. از طریق استعلا و روحانیت رابطه ای پویا میان فرد و عالم کائنات ظاهر می شود. از این رو آموزش و پرورش در صدد رشد ارتباط میان جهان درون فرد با جهان های خارجی است. نگاهی کل گرا به یادگیرنده دارد و یادگیری مربوط به آگاهی، بویژه خودآگاهی است. معلم باید ظرفیت های درونی خود را تقویت نماید و از فوننی مانند تجسم یا تمرکز یابی برخوردار باشد و ارزشیابی نیز به صورت تکوینی، باز پاسخ و کل گرا می باشد.

## فرا دیدگاه‌ها

میلر، در مقام تحصیل دیدگاه‌ها و ارائه جمع‌بندی پس از ارائه هفت دیدگاه، آن‌ها را در قالب سه فرا دیدگاه کلی تقسیم‌بندی کرده است.

فرا دیدگاه سنت‌گرایی: آمیزه‌ای از دیدگاه‌های انتقال فرهنگی، موضوعی و آموزش و پرورش قابلیت مدار است که دل‌مشغولی آن حصول اطمینان از اکتساب ارزش‌های پایه و مهارت‌های موردنیاز برای ایفای نقش در جامعه می‌باشد.

فرا دیدگاه پژوهش/تصمیم‌گیری: فرایند شناختی، شهروندی دموکراتیک و رشد‌گرا/دیسپلینی را باهم ترکیب می‌کند. البته دیدگاه دیسپلینی را هم می‌توان افزود. این فرا دیدگاه بر فرایند و پرورش مهارت‌های پژوهش و تصمیم‌گیری تاکید دارد. برنامه‌درسی به سمت دانش‌آموز مداری با تاکید بر رشد مهارت‌های عقلانی است.

فرا دیدگاه دگرگونی و تحول: از ترکیب دیدگاه‌های تغییر اجتماعی، انسان‌گرایی و ماورای فردی، فرا دیدگاه دگرگونی و تحول حاصل می‌شود. در این فرا دیدگاه، تلاش معلم بر مهارت‌هایی است که امکان دگرگونی و تحول فردی و اجتماعی را فراهم می‌کند (میلر، ۱۳۸۶: ۲۶۸-۲۶۳).

## ویژگی‌ها و دستاوردها

میلر با استفاده از رویکرد استنتاجی به استنتاج ویژگی‌های اساسی این دیدگاه‌ها در برنامه‌درسی پرداخته است. یکی از مهم‌ترین ویژگی طبقه‌بندی میلر توجه به اندیشه‌های روحانی و معنوی است و دقیقاً با عنایت به این چنین فلسفه و معرفت‌شناسی است که دیدگاه ماورای فردی را به عنوان دیدگاه مطلوب و مناسب معرفی می‌نماید. لذا، در ارائه طبقه‌بندی میلر هر چه بیشتر به آخر طیف نزدیک می‌شویم، دیدگاه‌ها بیشتر جنبه معنوی پیدا می‌کنند. حرکت بسوی اندیشه‌های روحانی\_معنوی در دنیای غرب و موضوعیت دادن به آن‌ها در حوزه تعلیم و تربیت، خصوصاً برنامه‌درسی با نگرشی نو از سوی میلر است (مهر محمدی و امین خندقی، ۱۳۸۸).

میلر در ارتباط با لزوم پیوند اندیشه‌های معنویت با تعلیم و تربیت این گونه می‌نویسد: "معنویت و امور دنیوی و غیرمذهبی را نمی‌توان از یکدیگر جدا کرد. آگاهی از روح و معنویت می‌تواند توازنی در بصیرت تربیتی ما به وجود آورد. می‌توانیم روح و معنویت دانش‌آموزان را از طریق برنامه‌های درسی گوناگون و راهبردهای یاددهی-یادگیری تقویت نماییم" (میلر، ۲۰۰۰؛ قورچیان، ۱۳۸۰: ۲۲۱-۲۱۷). همچنین، میلر معتقد است توجه به نیازهای معنوی بشر در تعلیم و تربیت اهمیت بسزایی دارد به گونه‌ای که آن را بیداری جهانی معرفی می‌کند. وی به بررسی ماهیت روح (انرژی عمیق و زنده که به زندگی معنا و جهت می‌بخشد) از دیدگاه مذاهب دینی (یهودیت، هندو، مسیحیت و اسلام) می‌پردازد و این گونه بیان می‌دارد: "آموزش و پرورش باروح و معنویت می‌تواند بین عوامل درونی و بیرونی، عقلانی و ذاتی و کمی و کیفی توازن ایجاد نماید" (میلر، ۲۰۰۰؛ قورچیان، ۱۳۸۰: ۶-۱۳).

## نقد و بررسی طبقه‌بندی

- با تأمل و غور در دیدگاه‌های مطرح شده توسط میلر، می‌توان مطالب عمده ذیل را استخراج و سازماندهی نمود:
- میلر در طرح دیدگاه‌های مختلف تلاش نموده است که بزعم خود، همه آن‌ها را مدنظر قرار دهد. از این‌رو، دیدگاه‌های مطرح شده وی متعدد و متکثر است. حتی دقت و ظرافت وی در طرح و استخراج دیدگاه‌های فرعی در یک دیدگاه (به عنوان مثال در دیدگاه اجتماعی) قابل تحسین و ارزشمند است. این نکته مبین تیزبینی، دقت و گستردگی اندیشه میلر است.
  - میلر تلاش نموده تا با توجه به دیدگاه‌ها با اتخاذ رویکرد استنتاجی نسبت به عناصر برنامه‌درسی جهت‌گیری کند. از این‌رو، وی پس از معرفی هر دیدگاه نسبت به استنتاج ابعاد هفت‌گانه آرمان‌های تربیتی، نقش یادگیرنده، فرایند یادگیری، فرایند آموزش، محیط یادگیری، نقش معلم و ارزشیابی اقدام نموده است؛ که این امر می‌تواند برای برنامه‌درسی روشنگر باشد.
  - نگاهی دیگر به دیدگاه‌های مطرح شده نشان می‌دهد که دیدگاه دوم یعنی موضوعی/دیسپلینی از قسم دیدگاه‌های مطرح شده دیگر نیست؛ به عبارت روشن‌تر شش دیدگاه دیگر تربیتی هستند، اما دیدگاه موضوعی/دیسپلینی با کمی تساهل کاملاً صبغه برنامه‌درسی دارد. حتی این مسئله در مورد دیدگاه دیسپلینی مصداق بیشتری پیدا می‌کند. این نکته با عنایت به نظریه‌پردازان دیسپلینی برنامه‌درسی مانند فینیکس، شواب و برونر قابل تصدیق و تایید است (امین خندقی، ۱۳۸۷).
  - میلر با صراحت، دیدگاه ماورای فردی را به عنوان دیدگاه شخصی و مقبول معرفی می‌کند و قصد دارد اندیشه تازه‌ای مطرح کند. از این‌رو، سعی کرده است از طریق برنامه‌های درسی به معنوی کردن آموزش و پرورش پردازد و صحبت از برنامه‌درسی معنوی به میان می‌آورد (میلر، ۱۳۸۰).
  - میلر توجه قابل‌تحسینی به دیدگاه انسان‌گرایی در دو نوع روان‌شناختی و اجتماعی نموده است؛ امری که موجب بازنمایی طرح‌های متفاوت برنامه‌درسی در آن دیدگاه می‌شود و میلر نیز به خوبی آن را نشان داده است.
  - تأمل در دیدگاه ماورای فردی میلر نشان می‌دهد دین و معنویت در اندیشه‌های میلر یکی نیستند؛ دین اگر مطرح می‌شود وسیله و ابزاری برای رسیدن به نوعی از معنویت و روحانیت بشریت‌گرا است و با آنچه معنویت توحیدی و شریعت‌مدار است تفاوت قابل‌ملاحظه‌ای دارد (امین خندقی، اسلامیان، ۱۳۹۷).
  - به نظر می‌رسد میلر در طرح دیدگاه‌های خود از مطرح ساختن دیدگاه‌های جدیدی که برخاسته از آموزه‌های پست‌مدرن و نومفهوم‌گرایی هستند (نظیر انتقادی، کثرت‌گرایی شناختی و نومفهوم‌گرایی) غفلت ورزیده است و توجهی به دیدگاه‌های جدید نداشته است (امین خندقی، ۱۳۸۷).

## منابع

- امین خندقی، مقصود (۱۳۸۷). تبیین ماهیت نظریه در حوزه مطالعات برنامه‌درسی و ارائه یک طبقه‌بندی مفهومی جدید از نظریه‌های معتبر در این حوزه، رساله دکتری رشته برنامه‌درسی، تهران: دانشگاه تربیت مدرس.
- امین خندقی، مقصود، اسلامیان، زهرا. (۱۳۹۷). علیه برنامه‌درسی معنوی بشریت‌گرا؛ نقد آرای میلر براساس دیدگاه شهید مطهری. دوفصلنامه تربیت اسلامی، ۱۳ (۲۷)، ۵۹-۲۹.

- مهرمحمدی، محمود؛ امین خندقی، مقصود (۱۳۸۸). مقایسه ایدئولوژی‌های برنامه‌درسی آیزنر با میلر: نگاهی دیگر، مطالعات تربیتی و وراثشناسی، ۱۰(۱): ۲۷-۴۵.
- مهرمحمدی، محمود (۱۳۸۳). برنامه‌درسی: نظرگاه‌ها، دیدگاه‌ها و چشم‌اندازها، چاپ دوم، مشهد: به نشر.
- میلر، جان. پی (۱۳۸۰). آموزش و پرورش و روح: بسوی یک برنامه‌درسی معنوی، ترجمه نادرعلی قورچیان، تهران: فراشناختی اندیشه.
- میلر، جان. پی (۱۳۸۶). نظریه‌های برنامه‌درسی. ترجمه محمود مهرمحمدی، تهران: سمت.

- [http://www.oise.utoronto.ca/ctl/Faculty\\_Staff/Faculty\\_Profiles/126/John\\_Miller.html](http://www.oise.utoronto.ca/ctl/Faculty_Staff/Faculty_Profiles/126/John_Miller.html).
- Israel, Mark (۲۰۰۳). TWENTY-FIRST CENTURY AUSTRALIAN CRIMINOLOGY TEXTBOOKS AND THE REPRODUCTION OF A DISCIPLINE. ۱۰th Asia Pacific Special Health and Law Librarians Conference, Adelaide.
- Miller, John p. (۱۹۸۳). The Educational Spectrum Orientation to Curriculum. Longman Inc.
- Miller, John p. (۲۰۰۷). The Holistic Curriculum, Canada: University of Toronto Press.
- Palmer, Anthony J. (۱۹۹۱). Music Education Curriculum and Transformation, Southeastern Journal of Music Education, ۳: ۱۳۲-۱۴۰.
- Pinet, Robert. (۲۰۰۶). "The Contestation of Citizenship Education at Three Stages of the LINC & Curriculum Guidelines: Production, Reception, and Implementation". TESL Canada Journal ۲۴ (۱), ۱-۲۰.